

جایگاه تربیت کودکان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی با تاکید بر سنتز پژوهی

مژگان محمدی نائینی^۱، مرضیه حسینی^۲

^۱استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

^۲دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی جایگاه تربیت کودکان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی می باشد. تربیت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «رَبَّو» است که به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است. برخی گفته اند تربیت، از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است. اما تربیت در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او است. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی، رویکرد پژوهش کیفی و از نوع سنتزپژوهی است. سنتزپژوهی که در برخی موارد معادل فراتحلیل کیفی نیز به کار می رود شامل ترکیب ویژگی ها و عوامل خاص ادبیات تحقیق است. سنتزپژوهی سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می دهد، تحلیل کرده و تعارضات موجود در ادبیات آن را حل نماید و موضوعات اصلی را برای تحقیقات آینده مشخص کند، حال با بررسی در پایگاه های داده ۲۵۰ پژوهش شناسایی شد، که ۱۷۰ مقاله و کتاب به دلیل یکسان بودن از فرایند سنتز خارج شدند ۸۰ منبع به مرحله بررسی عنوان و چکیده وارد شدند. در بررسی عنوان و چکیده ۴۵ اثر به دلایل عدم تطابق جامعه هدف نوع اثر، غیر مرتبط بودن چکیده یا عدم ارایه اطلاعات کافی از فرایند سنتز خارج شدند و ۳۵ منبع به مرحله غربالگری متن کامل وارد شدند. در این مرحله نیز ۱۲ اثر به دلایل عدم دسترسی به متن کامل منابع غیر پژوهشی و عدم ارایه اطلاعات کافی خارج شدند و ۲۳ اثر وارد مرحله بررسی و تحقیق شدند. ماحصل یافته ها نشان داد که از منظر اندیشمندان اسلامی اگر کودک در دوره نخستین کودکی به حال خود رها شود و تربیت نشود، به همان حالت طبیعی خود در کودکی رشد کرده، به آنچه با طبع او سازگارتر است از غضب و لذت و شهوت طلبی و دیگر خلیقات ناشایست رو خواهد آورد، لذا تربیت کودکان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی جایگاه ویژه ای دارد.

واژه های کلیدی: تربیت، کودکان، اندیشمندان اسلامی.

مقدمه

دوران کودکی نزدیک‌ترین دوره به فطرت پاک الهی است و همین ویژگی اهمیت تربیت در این دوران را پررنگ و قابل توجه می‌کند. کودک در دوران اولیه زندگی خود هر چند به رشد شناختی دست نیافته است و توانایی تجزیه و تحلیل دقیق مسائل را ندارد، قدرت تخیل و تقلید و نیز حافظه‌ای قوی دارد که هر آنچه را می‌بیند و می‌شنود، با دقت ثبت و ضبط و در ذهن خود ذخیره می‌کند و با تخیل خود، آن را می‌پرورد. از دلایل اهمیت این دوره این است که در سنین کودکی، هنوز ذهن کودک با آموزش‌های بی‌فایده و مسائل معیشتی و دنیوی همچون خانواده و فرزندان و جمع مال مشغول نشده است. کودک فارغ از همه این افکار، می‌تواند به راحتی آموزش‌ها و تربیت لازم را پذیرا شود (رفیعی، ۱۳۹۲).

می‌توان اشاره کرد که، کودکان ارزشمندترین و ظریف‌ترین هدیه‌ای هستند که خداوند به امانت به ما سپرده و ما را بر سرنوشت آنها حاکم کرده است و ما نیز وظیفه داریم که این بار مسئولیت را با مطلوب‌ترین روش‌ها به سر منزل مقصود برسانیم. قابل ذکر است که اهمیت تربیت در دوران کودکی، در زندگی انسان از اهمیتی ویژه برخوردار است. در این دوران می‌توان بنای یک زندگی سالم و سعادت‌مندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. لازمه تربیت صحیح کودک، یاری گرفتن از قرآن و احادیث و رعایت موازین اسلامی است (شعبانی، ۱۳۹۱).

روش اسلام در تربیت کودک، محبت و پند و نصیحت توأم با مدارا و احتیاط است که باید در عین حال دلنشین و مؤثر باشد. بنابراین تنبیه و مجازات نخستین عامل تربیتی در اسلام نیست، بلکه ابزاری است که در صورت سودمند واقع نشدن رفق و محبت در ایجاد عادات خوب به کار می‌آید. در تربیت اسلامی زیاده‌روی دیده نمی‌شود و فقط از این راه می‌توان افرادی معتدل را تربیت کرد؛ به طوری که تمام قوای او اشباع و تعدیل شوند و جسم و روح و عقل، هماهنگ باشند. به یاد داشته باشیم که مقوله تربیت، فارغ از جنبه روحی و نفسانی آن، جنبه بدنی و عقلی را نیز شامل می‌شود و هر گاه این سه به موازات یکدیگر و به طور صحیح تربیت شوند، قطعاً انسان توانا و مستعدی را تقدیم جامعه بشری خواهیم کرد (فقیهی، ۱۳۹۳).

اختلاف نظر اندیشمندان اسلامی درباره تعریف تربیت پیامدهایی به همراه داشته که یکی از مهم‌ترین آنها اختلاف نظر در مورد زمان شروع تربیت است. این مسئله باعث شده در سال‌های نخستین زندگی به تربیت پرداخته نشود که مهم‌ترین سال‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی انسان است بر اساس شواهد موجود هر چند با توجه به درک متفاوت اندیشمندان از تربیت در سن آغاز آن اختلاف نظرهایی وجود دارد، ولی بیشتر اندیشمندان به آغاز تربیت از دوره نخستین کودکی معتقد هستند (کریمی، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی، رویکرد پژوهش کیفی و از نوع سنتزپژوهی است. سنتزپژوهی که در برخی موارد معادل فراتحلیل کیفی نیز به کار می‌رود شامل ترکیب ویژگی‌ها و عوامل خاص ادبیات تحقیق است. سنتزپژوهی سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و تعارضات موجود در ادبیات آن را حل نماید و موضوعات اصلی را برای تحقیقات آینده مشخص کند (کوپر، هجز، ۲۰۰۹). در این روش دانسته‌های مطالعات مختلف و شاید پراکنده که می‌توانند با نیازهای خاص میدان عمل مرتبط باشند، گردآوری می‌شوند سپس این دانسته‌ها با هم پیوند یافته و کل مجموعه دانش حاصله در قالبی متناسب با نیازهای کنونی، مورد ارزیابی، سازماندهی مجدد و تفسیر قرار می‌گیرند از این رو در این روش صرف کنار هم قرار دادن دانش‌های قبلی مدنظر نیست؛ بلکه ترکیب یافته‌های گوناگون در چارچوبی مشخص که روابطی جدید را در پی دارد مورد تاکید است (شورت، ۱۳۹۸). در این پژوهش نیز با ترکیب یا برهم زدن مولفه‌ها چیدمان جدیدی از مولفه‌ها ارایه می‌شود.

جهت افزایش و بررسی اعتبار پژوهش به منظور اطمینان از نحوه کدگذاری از یک ارزیاب برای کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد. همین‌طور وجود شاخص‌های معین و قابل دفاع برای انتخاب مطالعات ورودی و گستردگی جستجو برای یافتن مطالعات پیرامون موضوع تحقیق باعث افزایش اعتبار سنتز پژوهی می‌گردد (اروین و همکاران، ۲۰۱۱) که توضیحات بیشتر در بخش‌های دیگر این مقاله گواه پیگیری این فرایند در پژوهش است. در تمامی روش‌های پژوهش کیفی بیان شفاف آنچه انجام شده است بخشی از اعتبار تحقیق را تشکیل می‌دهد در سنتز پژوهی نیز توصیه می‌شود که تمامی قسمت‌ها یعنی شیوه گردآوری آثار پژوهشی عنوان آثار ورودی شیوه بررسی کیفیت و نحوه ترکیب اطلاعات به صورتی گویا در دسترس سایر محققان قرار گیرد داشتن شفافیت و صحت اعتبار گزارش‌نهایی را به حداکثر می‌رساند به منظور ایجاد شفافیت باید نمودار یا جدولی از مطالعات مورد بررسی تهیه شود و مراحل طی شده تا مرور آخرین مقاله و البته دلایل کنار گذاشتن برخی از آثار پژوهشی توضیح داده شود (شروود^۳ ۱۹۹۷: ۳۴). در این پژوهش نیز کلیه مراحل ورود و خروج آثار پژوهشی و دلایل آن به طور گویا هم در قالب نمودار و هم به صورت تفصیلی ارایه شده است.

در پژوهش حاضر از روش ارایه شده توسط ساسکویس هان و رودل^۴ (۲۰۱۹) استفاده شد. در این روش دو مرحله اصلی پیگیری شده است. اولین گام تحلیل داده محور^۵ است که به طور کلی کدگذاری اولیه، بررسی مقالات سازماندهی کدهای اولیه صورت گرفته است و مرحله دوم، سنتز و ترکیب داده‌های به دست آمده است که فرایند مقایسه و تحلیل را شامل می‌شود تا در نهایت به پژوهشگر درک جدیدی از داده‌ها ارایه کند در این روش امکان بازگشت مجدد به مرحله اول پژوهش پس از مشخص شدن مقوله‌های اصلی به دلیل پویایی آن وجود دارد. شکل ۱ گویای مراحل انجام سنتز پژوهی می‌باشد که در ادامه توضیحاتی متناسب با هر مرحله در فرایند این پژوهش ارایه شده است.

¹ Cooper, Hedges

² short

³ Sherwood

⁴ Susquis Hahn and Rudel

⁵ . data-driven analysis



شکل ۱. مراحل سنتز پژوهشی در پژوهش حاضر

• شناسایی و انتخاب داده‌ها برای تحلیل

این مرحله به جستجوی منابع مربوط با نیاز اصلی پژوهش اختصاص دارد. از این رو، ابتدا کلیه آثار پژوهشی معتبر در حوزه تربیت کودکان در ایران انجام شده بود شناسایی شدند کلیدواژه‌های "تربیت اخلاقی و مولفه‌ها و زیر مولفه‌های آن" در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، مگیران، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، جهاددانشگاهی در بازه‌های زمانی ده سال اخیر جستجو شدند. برای فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز در این بخش از کاربرگ طراحی شده توسط محقق برای ثبت و گزارش اطلاعات پژوهش‌های اولیه استفاده گردید. این ابزار با توجه به اطلاعات مورد نیاز از پژوهش‌های اولیه دو بخش اطلاعات کتاب‌شناختی و اطلاعات لازم برای یافته‌ها تهیه شد. در بعد کتاب‌شناختی اطلاعاتی مانند عنوان اثر، نوع اثر، نویسنده، محل و تاریخ چاپ و در بخش یافته‌ها به ثبت موارد مرتبط با اهداف تحقیق پرداخته شد.

با بررسی در پایگاه‌های داده ۲۵۰ پژوهش شناسایی شد، که ۱۷۰ مقاله به دلیل یکسان بودن از فرایند سنتز خارج شدند ۸۰ منبع به مرحله بررسی عنوان و چکیده وارد شدند. در بررسی عنوان و چکیده ۴۵ اثر به دلایل عدم تطابق جامعه هدف نوع اثر (مروری، مصاحبه، گزارش)، غیر مرتبط بودن چکیده یا عدم ارایه اطلاعات کافی از فرایند سنتز خارج شدند و ۳۵ مقاله به مرحله غربالگری متن کامل وارد شدند. در این مرحله نیز ۱۲ اثر به دلایل عدم دسترسی به متن کامل منابع غیر پژوهشی و عدم ارایه اطلاعات کافی خارج شدند و ۲۳ منبع (مقاله و کتاب) وارد مرحله بررسی و تحقیق شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌محور:

• کدگذاری و سازمان دهی کدهای اولیه

در این مرحله از پژوهش کلیه آثار پژوهشی که به مرحله اول سنتز وارد شدند به دقت مورد تحلیل قرار گرفتند و مواردی که مرتبط با هدف پژوهش یعنی کنشگران و مؤلفه‌های تربیت کودکان بود، استخراج شد. در این بخش به منظور سازماندهی کدهای استخراج شده اولیه از تکنیک دسته‌بندی یافته‌ها تکنیک فراتلخیص استفاده شد. در دسته بندی ایده‌ها یا موضوع های مورد نظر، شناسایی و استخراج شده و در دسته‌های مشخصی قرار می‌گیرند در کنار این روش، فراتلخیص نیز در فرایند استخراج، مجزاسازی، ویرایش، گروه‌بندی و در نهایت خلاصه سازی یافته‌های متنی استفاده گردید. یکپارچه سازی یافته‌ها در فراتلخیص، تنها نیست، بلکه فرایندی است که برای رسیدن تیم پژوهشی به نوعی اجماع، که قبل از مرحله نهایی سنتز به آن نیازمندند (سندوفسکی، باروسو، ۲۰۰۷). این امر به تیم کمک کرد تا بر مشابهنها، تفاوت‌ها، میزان و شدت مقوله‌ها متمرکز شوند در این مرحله جدول توصیفی از اطلاعات اولیه مورد نیاز هر اثر (شامل کد مقاله، عنوان اثر نام نویسنده یا نویسندگان و سال چاپ، نوع اثر و یافته‌های مرتبط با کنشگران و مؤلفه‌های تربیت کودکان) تهیه گردید.

جدول شماره ۱: جدول توصیفی از اطلاعات اولیه مورد نیاز هر اثر

عنوان	نام محقق	نوع سند	ایده اصلی
بررسی تربیت کودک و دوران کودکی	خاتون غفاری، نرجس (۱۴۰۲)	مقاله	از نظر این پژوهش بهترین و کلیدیترین شیوه های تربیتی را میتوان در اقوال و افعال شایسته اهل بیت (ع) پیجویی کرد.
بررسی تربیت کودک و دوران کودکی	فدایی دولت، ایوب (۱۴۰۲)	مقاله	دوران کودکی بسیار حساس و روح کودک نیز بسیار اثرپذیر است و همه رفتارها را در خود ضبط میکند و به تدریج بروز میدهد و سهل انگاری در تربیت کودک عواقب نامطلوبی در پی دارد و بهره گیری از نظرات اندیشمندان اسلامی در اولویت است.
اهمیت و جایگاه تربیت از نظر دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی	بسارده و لطفی (۱۴۰۰)	مقاله	برای واژه تربیت، تعریف های گوناگونی ارائه شده و پژوهشگران از چند زاویه به آن نگریسته اند. برخی از دید فلسفی به آن نگریسته و برخی دیگر از زاویه روان شناسانه یا جامعه شناسی یا اخلاقی، به آن پرداخته اند. در تعریفی کلی، تربیت عبارت از فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه در درون اوست. تربیت مقوله ای گسترده و دارای ابعاد فراوانی است. و دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای می باشد. هدف از تربیت در نگاه دین عبارت است از: رشد الهی، طهارت، حیات طیبه، عبادت، تقوی، قرب، رضوان، تزکیه و تهذیب، اصلاح رابطه انسان با خودش، طبیعت، جامعه، تاریخ و و همین مطالب را می توان در

⁶ Sandowsky, Barroso,

اندیشه دانشمندان مسلمان و یا معتقد به ادیان الهی دید.			
از منظر اندیشمندان اسلامی تامل و تدبر در مفاهیم و آموزه های تربیتی قرآن مجید، و دقت در سیره اهل بیت علیهم السلام می تواند، راهگشای بسیار مهم و موثری برای مربیان تربیتی و به خصوص مادران در تعلیم و تربیت کودک قرار گیرد. از این جهت آشنایی مادران با مفاهیم و آموزه های تربیتی قرآن مجید و سیره اهل بیت علیهم السلام میتواند زمینه تربیت صحیح فرزندان را فراهم آورد.	مقاله	رفعت نژاد، محمد تقی؛ احمدیان قنات النوجی، اشرف(۱۴۰۱)	تأثیر آشنایی مادران با مفاهیم قرآن و حدیث در تربیت فرزندان
از منظر اندیشمندان اسلامی تکریم از جهت آنکه سبب ایجاد احساس ارزشمندی می گردد زمینه شکل گیری خود پنداره مثبت در دوره کودکی می گردد. و خودپنداره مثبت عامل پذیرش ارزش های اخلاقی، تکلیف پذیری در برابر خدا، قانون پذیری در رابطه با جامعه و شجاعت و مسئولیت پذیری در دوره های نوجوانی و جوانی است. برای عملیاتی کردن اصل تکریم در اولین مرحله توانمندسازی مربیان و والدین، براساس مثلث افکار، احساس و رفتار است که از جمله مهم ترین توانمندی های مربیان در سطح شناختی، انتظار واقع بینانه داشتن و در سطح عاطفی، پذیرش و عاطفه مثبت و در سطح رفتاری تعامل مثبت با توجه به ابعاد رشدی است.	مقاله	مقیسه، حسین؛ نوبی، ابراهیم(۱۴۰۰)	جایگاه و چگونگی تأثیر تکریم در تربیت اخلاقی در دوره کودکی
نقش مادر در تربیت کودک به لحاظ ارتباط تکوینی و حدود تاثیرات او با دیگر عوامل تربیت قابل مقایسه نیست. آموزه های اسلامی نگاه دقیق و جامعی به مسائل تربیت مبذول داشته و در این راستا توصیه هایی را بیان نموده است. در این میان ضمن ارائه تعریف واضحی از مفاهیمی نظیر تربیت، تعلیم، استعداد و کودک، جهاتی را که باید در تربیت کودک مد نظر قرار داد مورد نقد و بررسی قرار گرفت، جهاتی نظیر توجه به روح و روان کودک، توجه به بعد جسمانی و تغذیه کودک، پرورش صفات مطلوب در کودک، جهت دادن به فکر کودک و... در همین راستا تبیین گردید که باید خود مربی یعنی مادر قبل از تربیت کودک، حائز شرایطی نظیر آگاهی و اطلاع، خودسازی و خودارزیابی، داشتن جهان بینی وسیع، جنبه الگویی، صبر، حوصله و اقتدار بوده باشد. از نظر اسلام تربیت در سه مرحله پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد و خود مرحله پس از تولد در سه دوره هفت سالگی اول، دوم و سوم با اقتضات گوناگونش انجام می پذیرد.	مقاله	خیری، یوسف؛ نعمتی، جواد(۱۳۹۹)	نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه های اسلامی
. اهداف تعلیم و تربیت همواره یکی از دغدغه های بزرگ مسائل تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در میان فلاسفه تعلیم و تربیت کسانی هستند که نسبت به اهداف تعلیم و تربیت رویکرد جامع و کاملی دارند و ضروری است که همواره این رویکرد مورد توجه دست اندرکاران نظام های تربیتی قرار گیرد. از جمله بزرگترین آن ها یکی ابوعلی سینا و دیگری فارابی است. اهداف تعلیم و تربیت از	مقاله	مریم فاضلی زاده (۱۳۹۳)	اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

دیدگاه شیخ رئیس و فارابی در دو بخش کلی اهداف فردی و اجتماعی تقسیم شده و اهداف فردی نیز به بخش های فرعی اهداف جسمانی (بدنی)، ذوقی(هنری)، اخلاقی و عقلانی تقسیم شده است. پس از تشریح اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه این دو مربی، زمینه های مشترک و متفاوت میان این دو دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.			
پسچیدگی وجود آدمی وسطی نگری های ماست نبعث از اندیشه های غیرالهی، تربیت انسان را به بیراهه کشانده است. درحالی که در تربیت الهی هدف آموزش و هدایت آدمی به سوی فلاح و رستگاری است. تربیت دینی که از مهم ترین زیر مجموعه های تربیت است. در واقع دین و تربیت شامل پرورش بعد معنوی انسان برای رسیدن به رضا و قرب الهی است. بنابراین تربیت افراد همان تربیت دینی است.	مقاله	محمدپور کرمانی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی وجایگاه تربیت دینی از دیدگاه اندیشمندان بزرگ اسلامی در هزاره سوم
بشر امروزی با وجود انواع پیشرفت ها، به علت انحرافات اخلاقی و تربیتی، گرفتار بحران و نابسامان یهایی فراوان شده است که حاکی از به کار نگرفتن نظام تعلیم و تربیت صحیح است. انسان استعداد رسیدن به قرب الهی را دارد و این امر با تربیت حقیقی امکان پذیر است. «خانواده» از عوامل مهم و بسیار موثر در تربیت انسان است که هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ کیفیت تاثیر، مهمترین محیط برای شکوفایی استعدادهای مختلف فرزند است. روابط والدین با فرزندان در محیط خانواده، عنصری اساسی برای رشد و تربیت فرزندان در تمام ابعاد وجودی آنان است. در علم روان شناسی، فرزندپروری به شیوه غالب بر تربیت فرزند از سوی والدین تاکید می کند که متاثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در کشورهای غربی، تحقیقاتی گسترده در مورد سبک های فرزندپروری و آثار آن صورت گرفته است. و از دیدگاه دین مقدس اسلام، مسوولیت اصلی فرزندپروری به عهده پدر و مادر است و آنان باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه ها را به کار گیرند. از میان روش های غربی تربیت فرزند (مطابق با نظریه بامریند)، سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک ترین روش به روش تربیتی مسوولانه در اسلام است و سبک های فرزندپروری سه لگیرانه و مسامحه کارانه به مثابه سبک های ناسالم از نظر اسلام است. از این رو می توان گفت که سبک فرزندپروری مسوولانه، بهترین روش فرزندپروری از دیدگاه اسلامی و مشابه با سبک تربیتی مقتدرانه از دیدگاه غربی است. باین وجود، کاستی هایی در روش تربیتی مقتدرانه وجود دارد که در روش تربیتی مسوولانه یافت نمی شود، روش تربیتی مسوولانه در راستای هدف نهایی تربیت انسان قرار دارد و بر مبنای توحیدمداری و ولای تمداری و محبت معصومان (ع) تنظیم شده است.	مقاله	عادل پور، محمد حسین (۱۳۹۶)	بررسی و مقایسه سبک های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی

<p>محبت به کودک از دیدگاه اسلام اهمیت زیادی دارد و پیشوایان دینی سفارش های فراوانی به آن نموده اند. از آن جایی که اولینسپرپرست کودک، خانواده به ویژه، پدر و مادر هستند، لازم است به این نیاز کودک توجه ویژه داشته باشند و بدانند که پاسخگویی صحیح به این نیاز، پایه و اساس تربیت کودک را تشکیل میدهد. محبت به کودک علاوه بر این که در سخنان معصومان (ع) بازتابگسترده یافته، در سیره ی عملی آنها نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است. آنان همواره از روش محبت در فرایند تربیت کودکان بهره می گرفتند. در اصطلاح، محبت عبارت است از میل و گرایش طبع به سوی چیزی که لذت آور است و اگر این میل قوت گیرد عشق نامیده می شود. علاقه به فرزند یک امر طبیعی است. شاید کمتر پدر و مادری پیدا شوند که قلباً فرزند خود را دوست نداشته باشند. اما محبت قلیفقط خواسته ی درونی کودک را تامین نمی کند. کودک به محبتی نیازمند است که آثار آن را در رفتار پدر و مادر مشاهده کند. محبت های قلبی پدر و مادر باید در نوازش ها، در آغوش گرفتن ها، تبسم ها و حتی در آهنگ محبت آمیز سخنان پدر و مادر ظاهر شود. بعضی از پدران و مادران چون بیش از حد به فرزندان خود علاقه دارند، بدی های آنان را اصلاً درک نمی کنند و اگر احیاناً عیبی در آنان دیدند یا دیگری آن را تذکر داد، از آن چشم پوشی کرده و درصدد اصلاح بر نمی آیند تا مبادا فرزندان نشان ناراحت شوند. این قبیل پدران و مادران با محبت هاب بی جای خود، در لباس دوستی، بزرگترین خیانت ها را نسبت به فرزندان خود مرتکب می شوند که در قیامت بدون مواخذه نخواهد بود. از نحوه برخورد پیامبر با کودکان چند نکته بدست می آید :</p> <p>کودکان شیرخوار را با گرمی و رغبت بسیار در آغوش می گرفت و با آنها ابراز ملامت می فرمود - پیامبر (ص) مردم را از برخورد تند و خشن با کودک نهی می فرمود که با تندی و خشونت از ادرار کودک جلوگیری نکنید که این منافی با حفظ سلامت طفل است - تندی پدران و مادران باعث تحقیر کودک و مایه ی رنجش و آزردهی خاطر است. شکست های روانی طفل نتایج نامطلوبی در زندگی او به بار می آورد.</p>	مقاله	موسوی وهمکاران (۱۳۹۸)	اثرات محبت بر تربیت اسلامی کودکان از منظر روایات و آراء دانشمندان اسلامی
<p>تعلیم و تربیت و روانشناسی، به عنوان برجسته ترین گرایش های رایج در انسان شناسی، هیچ یک از دیگری بی نیاز نیست. تربیت دینی، به عنوان یکی از شاخص ترین قلمروهای تعلیم و تربیت ارزش ها، در اعتبار و روایی خود نه تنها از آموزه های دینی معتبر الهام می گیرد، بلکه وامدار اصول روان شناسی دین و روان شناسی ارزشها است. مجموعه دگرگونی هایی در فکر و عقیده فرد، به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار، که متکی بر ضوابط مذهب باشد، انجام</p>	مقاله	طاهری زاده (۱۳۹۹)	بررسی تطبیقی مراحل تربیت دینی فرزندان از منظر اندیشمندان اسلامی و غربی

<p>می گیرد. در سایه این دگرگونی ها، اخلاق، عادات، آداب و رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می گیرد. این پژوهش بصورت تحلیل تطبیقی نگاشته شده است. از آنجایی که تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می شود، توجه به تربیت دینی کودکان از جنبه های فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم و ضروری است</p>			
<p>تربیت فرایندی بسیار خطیر است که در مرحله اول بر عهده پدر و مادر قرار دارد، کیفیت تربیت سعادت و شقاوت انسان ها را در آینده رقم می زند، آگاهی ها پدر، مادر و مربیان از ابعاد و مراحل تربیت می توان گام موثری در حرکت صحیح به سمت تربیت عالی اخلاقی، معنوی و جسمی کودکان باشد. دین مبین اسلام تربیت صحیح را برای انسان عالی ترین منزلت می داند و هدف بعثت پیامبران بزرگ را تربیت بشر و حرکت به سمت کمال می داند. مقاله حاضر از نوع مروری - کتابخانه ای است که با توجه به آیات و روایات و اندیشمندان این حوزه گردآوری شده است. مقاله حاضر بر آن است که جایگاه تربیت کودک را در گوشه ای از صدها آیات و روایت به تصویر بکشد و جایگاه عالی تربیت کودک را در گفتمان اسلام نشان بدهد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که لازمه گام نهادن در مسیر تربیت صحیح کودکان، شناخت عمیق و درست از مسائل تربیتی است.</p>	مقاله	پراز و همکاران (۱۳۹۹)	تربیت کودک از دیدگاه اسلام
<p>نتایج بدست آمده بدین قرار است که برای تفهیم اخلاق، بررسی ها حول این محورها صورت گرفت: اخلاق و فایده و برتری آن بر سایر علوم، وجوب عینی علم اخلاق، اخلاق و شرافت فضایل اخلاقی و کیفیت اکتساب آنها، شباهت علم اخلاق به علم طب، تهذیب اخلاق و ثمره آن، تاثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق، مقدمات تزکیه نفس و دست یافتن به فضایل اخلاقی و حفظ تعادل اخلاق حمیده. و سرانجام اصول بدست آمده در تربیت اخلاقی به قرار ذیل می باشد: اصل خودشناسی، اعتدال، تناسب برنامه های تربیتی با مراحل تکاملی، ایجاد شرایط مناسب، عمل به دانسته ها، توجه به دوگانگی وجود، نظارت و مراقبه، اصل هماهنگی اعمال با عقل و شرع، اصل هدایت و راهنمایی و در نهایت اصل توجه به تفاوت های فردی.</p>	مقاله	نصرتی هشی (۱۳۹۳)	درآمدی بر اصول تربیت اخلاقی از منظر ملا احمد نراقی
<p>اخلاق و تربیت اخلاقی همواره مورد توجه اندیشمندان و علمای مختلف درسراسر جهان بوده است. از این رو، پژوهش حاضر باهدف استخراج آرای تربیت و تبیین وجوهاش تراک و افتراق دو متفکر بزرگ اسلامی ابو حامد غزالی و مهدی نراقی در زمینه مبانی تربیت اخلاقی به منظور بهره گیری در دینی سازی تعلیم و تربیت است. تحقیق این پژوهش تحلیل تطبیقی و به صورت اسنادی است. جمله یافته های</p>	مقاله	فرهادیان وهمکاران (۱۳۹۸)	بررسی تطبیقی مبانی تربیت اخلاقی از منظر غزالی و مهدی نراقی

<p>تحقیق این است که هر دو عالم دینی بر اساس آموزه های دینی در پی عرضه نظام دینی تربیت هستند و دیدگاه های آنان در زمینه های مختلف از جمله مسائل مربوط به تعلیم و تربیت کاملاً برآموزه های دینی مبتنی است. وجوه اشتراک خاصی در مبانی تربیت اخلاقی از منظر غزالی و نراقی وجود دارد که؛ مرکب بودن انسان؛ پاک بودن سرشت انسان؛ تدریج؛ تغییرپذیری اخلاق؛ تاثیر شرایط از مهم ترین و اساسی ترین مبانی تربیت اخلاقی از منظر هر دو دانشمند است. در مبانی و پیش فرض های تربیت اخلاقی بین این دو اندیشمند تفاوت مبنایی شاخصی وجود دارد. اشعری مسلک بودن غزالی منجر به ارائه تفکر و بینش متفاوت در مباحث تربیت اخلاقی وی گردیده است. عدم تمسک به روایات اهل: و رویکرد جبری داشتن در امور از این جمله است. در مبانی تربیت اخلاقی غزالی، روح تصوف حاکم است و گاهی جنبه عقلی و فلسفی دارد اما نراقی در مبانی تربیت اخلاقی جنبه عرفان و عملی اخلاق را رعایت نموده است.</p>			
<p>بر اساس یافته‌ها رویکرد تربیت اخلاقی نراقی به رویکرد تربیت منش نزدیک است. در دیدگاه تربیت اخلاقی نراقی، هدف غایی تربیت اخلاقی، تشبیه به خداوند است؛ و بر این اساس، پیراستن نفس از رذایل، کسب معارف حقیقی و رسیدن به اعتدال در اخلاق، از هدف‌های میانی تربیت اخلاقی به شمار می‌آیند. همچنین بر اساس یافته‌ها، ۹ مبنا و ۱۸ اصل تربیتی برای اخلاقی شدن متریبان، استخراج و تبیین شده است.</p>	مقاله	وجدانی و شعبانیان (۱۳۹۷)	تربیت اخلاقی از دیدگاه محمد مهدی نراقی
<p>با توجه به اینکه فارابی هم به فلسفه یونان احاطه داشته و هم از مکتب وحیانی اسلام و احادیث ائمه اطهار (ع) بهره مند بود، اندیشه وی در شرایط کنونی جامعه می‌تواند راهنمای عمل بسیار خوبی باشد. با اینکه فارابی بیشتر در باب مسائل اجتماعی و سیاسی سخن گفته است، اما فرد و اخلاق را در راس امور می‌داند. وی انسان را موجودی مختار و امکان تغییر اخلاق را برای هر فرد ممکن می‌داند. فارابی انسان را موجودی اجتماعی در نظر می‌گیرد که دستیابی او به سعادت، بدون تعاون و همکاری با دیگر افراد جامعه ممکن نیست. وی معتقد است که سلامت فرد و جامعه متأثر از هم بوده و با تربیت افراد سالم می‌توان به مدینه فاضله دست یافت و در مدینه فاضله است که سلامت اخلاقی و ایمان مردم مصونیت پیدا می‌کند. از این رو، اصول و روش‌هایی را برای تغییر افعال قبیح و ایجاد رفتارهای پسندیده پیشنهاد می‌کند</p>	مقاله	هاشمی و نوروزی (۱۳۸۹)	تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی
<p>متفکران انتخاب شده بر پایه ملاک هایی مانند برجستگی علمی و صاحب اثر مکتوب اخلاقی و تربیتی بودن، انتخاب شده اند که اعم</p>	کتاب	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن

<p>آنان عبارت اند از: جاحط، ابن سحنون، فارابی، قاسبی، اخوان الصفا، ابن سینا، مسکویه، زرنوجی، شیخ اشراق، خواجه نصرالدین طوسی، مولوی، سعدی، ابن خلدون، علامه مجلسی، ملامهدی و احمد نراقی و امام محمدغزالی.</p> <p>این مجموعه میتواند زمینه ای فراهم آورد تا در آینده سیر تحول اندیشه های تربیتی متفکران مسلمان و مراحل تطور و ارتباط تاریخی اندیشه های هر کدام بازشناسی شود و همچنین مقدمه ای است بر طبقه بندی مکاتب تربیتی در تاریخ اسلام و نقد و تحلیل آنها.</p>			
<p>این مجموعه به روش توصیفی آرای برخی از متفکران برجسته را گزارش می دهد. متفکران انتخاب شده بر پایه ملاک هایی مانند برجستگی علمی و صاحب اثر مکتوب اخلاقی و تربیتی بودن، انتخاب شده اند که اعم آنان عبارت اند از: جاحط، ابن سحنون، فارابی، قاسبی، اخوان الصفا، ابن سینا، مسکویه، زرنوجی، شیخ اشراق، خواجه نصرالدین طوسی، مولوی، سعدی، ابن خلدون، علامه مجلسی، ملامهدی و احمد نراقی و امام محمدغزالی. این مجموعه می تواند زمینه ای فراهم آورد تا در آینده سیر تحول اندیشه های تربیتی متفکران مسلمان و مراحل تطور و ارتباط تاریخی اندیشه های هر کدام بازشناسی شود و همچنین مقدمه ای است بر طبقه بندی مکاتب تربیتی در تاریخ اسلام و نقد و تحلیل آنها.</p>	کتاب	علیرضا اعرافی ، محمد فتحعلی خانی ، علیرضا فصیحی زاده ، علی نقی فقیهی	آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن
<p>امروزه علوم تربیتی از گسترش قلمرو، تنوع گرایش ها، تعدد رشته ها و ژرفایی ویژه ای برخوردار شده است. طیفی از دانش های مختلف به خانواده بزرگ علوم تربیتی راه یافته اند که پاره ای از آنها صبغه تجربی و برخی روش نظری و فلسفی دارند و برخی دیگر دارای روش نقلی و تاریخی هستند، رویکرد تاریخی و تطبیقی به تعلیم و تربیت که با زندگی معرفتی آدمی درآمیخته و بلکه عین آن است مورد اهتمام متفکران و عالمان تعلیم و تربیت قرار دارد. در قلمرو تربیت اسلامی نیز بررسی تاریخی اندیشه ها و آرای تربیتی متفکران اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. و آگاهی از تطور اندیشه اسلامی و وقوف بر مراحل تکون و تحول فرهنگ و معرفت مسلمانان وابسته به شناسایی تاریخ آموزش و پرورش اسلامی و آرای تربیتی، اخلاقی متفکران مسلمان است و از آنجا که آراء و افکار دانشمندان مسلمان متأثر از متون و معرفت دینی است این بررسی می تواند محققان را در جهت پژوهش درباره تربیت اسلامی یاری رساند. این مجموعه شامل پنج جلد می باشد که درباره سی متفکر و مربی معلمان خواهد بود که به روش توصیفی آرای این متفکران را گزارش می دهد.</p>	کتاب	رفیعی بهروز (۱۳۸۱)	آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن
<p>تربیت فرزند را نباید محدود به دوران پس از تولد فرزند کرد. برخی از والدین گمان می کنند برای تربیت نسل شایسته باید از دوران کودکی</p>	کتاب	رضایی شریف (۱۳۹۹)	کتاب تربیت فرزند از دیدگاه اسلام و

روانشناسی غرب			مراقبت‌هایی را اعمال کنند تا فرزندشان به درستی تربیت شود، درحالی‌که برای تربیت مناسب لازم است از مدت‌ها قبل از ازدواج و فرزنددار شدن مراقبت‌هایی را برای خود داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی والدین از طریق وراثت قابل انتقال به فرزندان است در نتیجه خصوصیات وراثتی انتقال یافته فرزندان را نباید محدود به جسم کرد. تربیتی می‌تواند به موفقیت کامل برسد که در ابتدا والدین در دوران نوجوانی و جوانی خود مراقب رفتارها و کردارهای خود بوده‌اند.
تعلیم و تربیت در اسلام	مطهری، مرتضی	کتاب	بررسی نظریه نسبت اخلاق، پیوند عبادت با برنامه‌های تربیتی، کرامت نفس در قرآن و حدیث و ریشه الهامات اخلاقی از مباحث بخش اول و پرورش جسم، پرورش استعداد عقلانی، تاریخچه تعقل از نظر مسلمین، عوامل تربیت، تقویت اراده، عبادت، محبت، تقویت حس حقیقت‌جویی، مراقبه و محاسبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج، جهاد و کار از جمله مطالب بخش دوم کتاب است.
آیین تربیت	امینی، ابراهیم	کتاب	زیربنای تربیت را دوران کودکی دانسته و نقش والدین، خصوصاً نقش مادر در حضانت و نگهداری کودک و محبت به او را مورد بررسی قرار داده است.
تدوین بسته آموزش اسلامی فرزند مبتنی بر رویکرد علامه طباطبایی (ره) و استاد مطهری (ره)	کادیجانی، فرزاد، حدی و کجیاف (۱۳۹۳)	مقاله	محتوای یافته‌های مورد نظر تبیین فرزندپروری، عوامل مؤثر در زمینه پرورش فرزند سالم و کارآمد استخراج، و در نهایت بسته آموزشی متناسب با تأکید بر دوره‌های سنی اسلامی به دوره اول کودکی (هفت سال اول)، و دو دوره آموزشی (عمومی و کودکی اول) تدوین شد.

سنتز داده‌ها: تفسیرهایی فراتر از مقاله اصلی

• تفسیر بیشتر شباهت‌ها و تفاوت‌ها در کدها، گروه بندی

در این مرحله با توجه به جدول توصیفی احصا شده داده‌های اولیه، ایده‌های اصلی آثار پژوهشی در کنار یکدیگر قرار گرفتند و مورد بررسی و مقایسه دقیق و چند مرحله‌ای قرار گرفتند مقوله‌های تکراری و مشابه از فهرست حذف شدند و گروه بندی لازم میان مؤلفه‌های مشابه و نزدیک به هم به عنوان مقوله اصلی صورت گرفت. در این مرحله مقایسه و بررسی به طور دقیق در چندین مرحله انجام شد و تلاش بر آن بود تا مؤلفه‌های پایه و نزدیک به یکدیگر در قالب مقوله کلی‌تر طبقه بندی شوند پس از چندین بار طبقه بندی و رفت و برگشت مقوله‌های فرعی، با هدف شکل‌گیری دقیق‌ترین و بهترین طبقه‌بندی، به دست آمد. سپس هر مقوله اصلی با توجه به مقوله‌های فرعی شکل‌دهنده آن طبقه، نام گذاری شد.

• تحلیل مقوله‌های اصلی

در این مرحله، محققان آنچه در فرایند سنتز پژوهی به عنوان یافته‌های پژوهش ظاهر شده است در قالب نمودار، تصویر یا جدول ارائه می‌کنند (اروین و همکاران، ۲۰۱۱) که البته در این بخش همچنان امکان بازبینی و تصمیم‌گیری برای تغییر در

مراحل قبلی وجود دارد (کوپر، ۲۰۱۶) پژوهشگران متناسب با این مرحله، مقوله‌های تربیت کودکان و همین طور کنشگران دخیل در این امر را یکپارچه سازی کرده اند که در ادامه به تحلیل و تفسیر آنها برای فهم بهتر محققان و خوانندگان پرداخته شده است.

یافته ها :

برای فهم دیدگاه‌اندیشمندان اسلامی در مورد تربیت کودکان آرای آنها در چهار مکتب اسلامی مشاء، اشراق، عرفان-تصوف غزالی، و حکمت متعالیه بررسی و این نتایج به دست آمد: اندیشمندان مشایی مانند ابن سینا، ابن مسکویه خواجه نصیر^۸ و... که در شناخت جهان از روش عقلی بهره می‌گیرند (فروغی، ۱۳۷۹؛ داودی، ۱۳۹۴) معتقدند اگر کودک در دوره نخستین کودکی به حال خود رها شود و تربیت نشود، به همان حالت طبیعی خود در کودکی رشد کرده، به آنچه با طبع او سازگارتر است از غضب و لذت و شهوت طلبی و دیگر خلقیات ناشایست رو خواهد آورد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۱)؛ از این رو تربیت در دوران کودکی اهمیتی ویژه دارد (عطاران، ۱۳۶۵، ۳۸). آنها از واژه تأدیب به معنای آموزش رفتارهای اخلاقی و ایجاد توانایی رفتار اخلاقی برای تربیت کودک در آثار خود استفاده کرده‌اند، (داودی، ۱۳۹۴، ۷-۱۷).

از نظر آنها دوران کودکی از تولد تا پایان چهارده سالگی است که شامل مراحل مانند شیرخوارگی، زبان آموزی و فراگیری خواندن و تأدیب است همه این دانشمندان باور دارند که کودکان در امر تربیت باید آموخته شوند و از همان اوان کودکی در کنار بازی و گردش، با سیراب ساختن روح آنان از محبت، امور تربیتی را باید به آنها آموخت؛ بنابراین از نظر این اندیشمندان بهترین زمان تربیت، کودکی و طفولیت است؛ زیرا کسب فضایل به راحتی صورت می‌گیرد (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲ - ۲۲۲؛ ۱۳۶۹، ص ۲۵۸؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴؛ رفیعی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸). بنابراین، دانشمندان یادشده به تربیت کودکان از پایان دوره شیرخوارگی معتقد هستند و فعالیتهای پیش از این دوره را نیز زمینه ساز تربیت میدانند. با توجه به اینکه از نظر این اندیشمندان آموزش آداب به کودکان با هدف فضیلت‌مندی است به نظر می‌رسد تأدیب وسیله ای برای تربیت همه جانبه است (رفیعی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲ - ۱۷۳؛ سعید اسماعیل، ۱۳۹۰، ص ۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳؛ ۱۳۶۰، ص ۲۲۲ - ۲۲۳؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰).

غزالی؛ مشهورترین اندیشمند رویکرد تصوف-عرفان، معتقد است: تعلیم و تربیت ماهیتی تدریجی و پیوسته و مستمر در طول عمر دارد که باید برای رسیدن به نتیجه مطلوب به آن توجه شود (غزالی، ۱۳۵۲، ص ۵۲). وی برای تربیت حد و حدود قائل می‌شود و معتقد است کارایی تربیت اندازه دارد و مرتبی نمیتواند هرگونه تغییری را به واسطه تربیت در کودک ایجاد کند (رفیعی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). با توجه به اینکه غزالی دوره کودکی را به سه دوره طفولیت و کودکی، تمیز، بلوغ و عقل تقسیم می‌کند میتوان گفت از نظر ایشان کودک که خود منفصل انسان است، در فاصله بین تولد تا بلوغ قرار دارد و تربیت او که از مهمترین و جدی ترین کارهاست، باید از بدو تولد آغاز شود. وی با پذیرش تربیت کودکان در دوره سیادت (تولد تا هفت سالگی)، با توجه به مرحله سنی و رشدی آنها در این دوره دستورالعمل‌های تأدیبی و اخلاقی خاصی را مطرح می‌کند (غزالی، ۱۳۵۲، ج ۳، ۷۴ و ۱۹۷-۱۹۸).

⁷ Cooper

^۸ ابن سینا در تدابیر المنازل، قانون و شفا و ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق و خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری به تربیت کودک پرداخته‌اند.

^۹ غزالی فصل‌های از احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت و نیز عمده مسائل رساله‌های الوالد و الادب فی الدین را به تعلیم و تربیت به ویژه تربیت کودک

اختصاص داده است. (کاردان و همکاران، ۱۳۷۴)

سهروردی در رویکرد اشراقی زمینه تربیت را پرورش روحی و معنوی قرار داده است. تربیت در این رویکرد به معنای ربانی و خداگونه شدن است؛ یعنی از سلطه عوامل غریزی، حیوانی، مادی، محیطی، اجتماعی خارج شدن و به خدا نزدیک و آسمانی شدن است (بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۸). از نظر حکمای اشراق این طور برداشت می‌شود که مفهوم کودکی مستقل از بزرگسالی است و پیش از تولد تا بلوغ را در بر می‌گیرد؛ البته در عین استقلال ارتباط نزدیکی با مراحل بعدی رشد انسان، مانند جوانی و بزرگسالی دارد. در این دیدگاه مرحله نخست از تولد تا دوسالگی، زمینه ساز تربیت معرفی شده و شروع تربیت از مرحله دوم پایان شیرخوارگی مطرح شده است که وظیفه مربیان است که با مهربانی رفق و مدارا کودک را تربیت کنند (همان، ص ۱۳۸-۱۳۶)

با توجه به اینکه سهروردی تربیت را فرایندی تدریجی میدانند که باید با مرحله سنی و میزان فهم و استعداد متربی سازوار، باشد تربیت کودکان از تولد تا هفت سالگی، نیز امری ضروری انگاشته شده است. شهرزوری در بحث تدبیر الاولاد با بیان مراحل تربیت، مهمترین وظیفه متربیان به ویژه والدین را شامل زمینه سازی برای سلامت بدنی، روحی و اخلاقی کودک تا پایان دوره شیرخوارگی و پس از آن مهرورزی و رفق و مدارا را محور تربیت کودکان سرور معرفی میکند (بهشتی، ۱۳۹۴). او با طرح فضائل و رذایل بنیادین بر این باور است که چون ساختار وجودی انسان به گونه ای سامان یافته که تأثیر پذیر و تأثیرگذار است، از این رو همه افراد تربیت پذیرند و می‌توانند به اخلاق الهی متخلق شوند؛ البته افراد از نظر پذیرش و قابلیت تربیت و مقدار عزم و همت با یکدیگر تفاوت دارند؛ از این رو شیخ اشراق تربیت کودکان را امکان پذیر میدانند و معتقد است با توجه به شرایط و قابلیت‌های کودکان باید آنها را در راستای متخلق نمودن به اخلاق الهی تربیت کرد وی اقدامات تربیتی تا پایان شیردهی را زمینه سازی میدانند و آغاز تربیت را از پایان دوره شیرخوارگی، یعنی آغاز سه سالگی، مطرح می‌کند و معتقد است فضایل و رذایل بنیادین بر سطحی ترین لایه های زندگی تا عمیق ترین جنبه های آن تأثیر جدی دارند فضایل و رذایل بنیادین مطرح شده برای کودکان سرور نیز مطرح است (بهشتی، ۱۳۹۳، ۱۲۱-۱۴۷).

در رویکرد صدرایی با توجه به اینکه روش بحث در حکمت متعالیه صدرایی با شیوه بحث در فلسفه اشراقی تفاوت جوهری ندارد و چه بارز این رویکرد آن است که بنا به تصحیح ملاصدرا وحی و ذوق با برهان جمع شده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ۱۴۳) او بر این باور است که فعل و قوه با هم حرکت می‌کنند و درجات کمال را می‌پیمایند و در مراتب کمال دگرگونی می‌یابند. پیوسته بودن مراحل تکوین نفس و نیز مرحله به مرحله بودن آن ضرورت تعلیم و تربیت پلکانی و متناسب با هر مرحله را ایجاد میکند؛ زیرا مسیر رشد و کمال نفس بی پایان است و استمرار تربیت ضرورت دارد (همان، ۱۳۶۳، ص ۹۱۳). از این رو او معتقد است مراحل تربیت با توجه به تکامل نفس انسانی نباتی، حیوانی انسانی و ملکوتی و بر مبنای رشد عقلانی انسان، به چهار مرحله تقسیم می‌شود. از طرفی چون نفس پیش از تجرد دارای مراتبی طبیعی است که هر یک از آنها درخور مزاجی مخصوص، وجودی مشخص و سن معینی از جنینی کودکی، بلوغ، جوانی، پیری، سالخوردگی و مرگ و برانگیختن می باشد از این رو باید برنامه‌های تربیتی را متناسب با هر یک از این مراحل و اقتضائات خاص آن مرحله تدارک دید و نحوه برخورد با مسائل و تفسیر آنها نیز به تناسب صورت گیرد؛ به گونه ای که هیچ یک از این مراحل دچار خلل نشده، مشخصات همان مرحله به صورت متعالی انجام پذیرد، (همان ۱۳۶۳؛ مقربی، ۱۳۹۴).

بر این اساس، می‌توان گفت از نظر ملاصدرا آغاز تربیت کودک پیش از تولد از مرحله نفس نباتی است (ملاصدرا، همان)؛ از این رو او تربیت کودک را از همان دوران جنینی (نفس نباتی) امکان پذیر می‌داند. به اعتقاد وی در مرحله که با تولد آغاز می‌شود و بخشی از مرحله نفس حیوانی است، تعلیم و تربیت کودکان باید بیشتر به وسیله تربیت حواس و قرار دادن او در

محیط های تربیتی وسیع برای روبرو کردن وی با ابزار، اشیاء، گیاهان حیوانات مختلف پدید آید. برای این کار مربیان به ویژه والدین باید با اصلاح شرایط پیرامون کودک و زمینه سازی از طریق تأمین سلامت بدن کودک و مراقبت از وی و همچنین اسوه سازی مطلوب، کودک را تربیت کنند (همان، ص ۹۱۳).

در میان اندیشمندان معاصر باقری، موسس نظریه عاملیت انسان تربیت کودک را از زمان بلوغ به بعد امکان پذیر دانسته و پیش از آن را تمهید نامیده است. او معتقد است تربیت عبارت است از عاملیت تربیت برای رسیدن به قرب الهی از نظر وی با توجه به اینکه انسان از زمان بلوغ شرعی دختران نه سال و پسران پانزده سال توانایی شناخت انتخاب و عمل را کسب می کنند که از اجزای اصلی جریان تربیت و ربوبی شدن و ربوبی ساختن است شروع تربیت از زمان بلوغ شرعی است؛ از این رو اقدامات پیش از بلوغ تمهید اخلاقی - تربیتی است (باقری، ۱۳۹۰، ۲۴۲-۲۴۶). بنابراین اقدامات تربیتی برای کودکان در دوره اولیه تمهید است نه تربیت. در همین راستا بیشتر صاحب نظران مسلمان معاصر مانند طباطبایی مطهری، مصباح، اعرافی و... با توجه به گستره مفهوم تربیت و مراحل آن و گسترش قلمرو آن به صفات درونی، رفتارهای بیرونی و آداب اخلاقی معتقدند که از ابتدای تولد و حتی پیش از آن تحقق پذیر است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۲؛ شعبانی ورکی، ۱۳۷۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰؛ شاملی، ۱۳۸۶؛ بناری، ۱۳۷۹؛ داودی، ۱۳۸۹؛ اعرافی، ۱۳۹۳، ۴۶۲).

در یک جمع بندی می توان اینطور برداشت کرد که در بین اندیشمندان مسلمان، همه اندیشمندان مکاتب اسلامی معتقد به تربیت کودکان به طور کلی هستند و تمهید را جزء تربیت دانسته و در تعریف خود به آن نیز اشاره کرده اند؛ از این رو بیشتر اندیشمندان متأخر مانند ابن سینا، ابن مسکویه، غزالی و... (کاردان و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۹ - ۳۰۰) و بیشتر صاحب نظران مسلمان معاصر معتقدند تربیت در دوره نخستین کودکی نیز امکان تحقق آن وجود دارد. هر چند در مورد سن آغاز آن اختلاف نظرهایی وجود دارد، برخی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، سهروردی و... پایان دوره شیرخوارگی را که پایان دو سالگی و آغاز سه سالگی است، زمان شروع تربیت همانند تربیت اخلاقی معرفی می نمایند (ابن مسکویه، ۱۳۷۱، ص ۳۵ و ۵۱؛ رفیعی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲؛ طوسی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳ و بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹؛ شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱؛ بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶-۱۳۸) و برخی دیگر آغاز آموزش اساسی و زیربنایی در جنبه زبان و اخلاق را در سه سالگی کودک معرفی می کنند (قائمی، ۴۲۰-۴۴۳).

استاد مطهری اشاره دارد که، فطرت الهی انسان در تربیت اسلامی ارزشمندترین چیزی در عالم هستی است به گونه ای که نباید چیزی را بر آن ترجیح داد، اگر گفتار یا کرداری خلاف قوانین فطرت باشد، باید صریحاً نسبت به اصلاح آن اقدام شود. زمانی که فطرت دست نخورده و الهی است یعنی دوران کودکی باید نسبت به تربیت و شکل دهی آن، اقدام و زمینه را برای مراحل بعدی رشد فراهم کرد.

فطرت انسان همانند درختی است که از همان ابتدا نیاز به مراقبت دارد همان طوری که درخت در هر مرحله ای نیاز به مراقبت ویژه خودش را دارد تا به یک درخت تنومند برسد فطرت انسان نیز باید در هر مرحله ای مراقبت های لازم در آن انجام بگیرد تا به مرحله شکوفایی و کمال برسد. رفتارهای انسانی و الهی را می توان میوه های این درخت محسوب کرد. با توجه به این فرایند بسیار مهم، دانشمندان تعلیم و تربیت به تشبیه و تحکیم صفات نیک اخلاقی از دوران کودکی تأکید فراوان داشته اند.

شهید مطهری ضمن اشاره به نظر علمای تربیت قدیم در خصوص تحکیم فضائل اخلاقی در آدمی می فرماید «علمای قدیم در تعریف عدالت می گفتند عدالت ملکه تقوا و پرهیزکاری است؛ یعنی تقوا و پرهیزکاری برای انسان ملکه شده باشد و حتی می گفتند انسان آن وقت دارای اخلاق فاضله است که در عالم خواب هم ضد آن اخلاق از او صادر نشود؛ مثلاً آن قدر راستگو

باشد که حتی در عالم خواب هم دروغ نگوید. بر این اساس است که اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت گیرد. اصلاً گفته می‌شود که تربیت فن تشکیل عادت است.

روحیه انسان در ابتدا حکم ماده شل و قابل انعطافی مثل گچ را دارد که ابتدا که آن را در آب می‌ریزند، شل است و بعد سفت می‌شود. وقتی این ماده شل است آن را در هر قالبی بریزیم به همان شکل در می‌آید می‌توان آن را به صورت انسان در آورد یا به صورت خوک و یا خروس. در هر قالبی که بریزیم همین که سرد شد همان شکل را می‌گیرد و سفت می‌شود.

می‌گویند روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و مانند همان ماده شل است. هر چه انسان بزرگتر شود قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. بر همین اساس گفته اند: العلم فی الصغر کالمنقش فی الحجر. البته دانشمندان امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند. بچه‌ای که در کودکی در کوهستان است از بچه دبستانی و بچه دبستانی از نوجوان دبیرستان و نوجوان دبیرستان از جوان دانشگاه، جنبه پذیرشش بیشتر است.

انسان در سن ۵۰ سالگی شخصیتش منعقد می‌شود. البته مبالغه نباید کرد. انسان یک موجود قابل تغییر و قابل توجه و بازگشت است و ممکن است در سن ۱۰۰ سالگی هم خود را تغییر دهد ولی شک نیست که حالات روحی کم کم ملکه می‌شود و برگرداندن آنها دشوار می‌گردد

از دیدگاه شهید مطهری می‌توان به آسانی این نکات را استنباط کرد: ۱- تربیت دوران کودکی پایه و اساس است. ۲- در دوره‌های نوجوانی و جوانی نسبت به دوره کودکی امکان تربیت کاهش پیدا می‌کند. ۳- اگر یک صفت در وجود انسان ملکه شد زدودن آن بسیار مشکل خواهد بود.

علاوه طباطبایی نیز برای تربیت کودکان جایگاه والایی قائل بود و برای بچه‌ها خصوصاً دخترها ارزش بسیار قائل بود و دخترها را نعمت‌های خدا و تحفه‌های ارزنده می‌دانست، مدام بچه‌ها را به آرامش و راستی دعوت می‌نمود، میل داشت آوای صوت قرآن در گوش کودکان طنین انداز شود و برای همین منظور قرآن را با صدای بلند تلاوت می‌نمود. در فرصت‌های مناسب از روایات مطالبی آموزنده نقل می‌کرد و براین باور بود که این برنامه برای بچه‌ها مفید است، با کودکان بسیار مهربان و خوش رفتار بود و گاه می‌شد که وقت زیادی را صرف بازی و سرگرم کردن آنان می‌نمود، در عین حال از حد خود تجاوز نمی‌نمود که بچه‌ها لوس بار آیند، از سروصدای فراوان فرزندان و نوه‌ها و نیز پرحرفی‌ها و سؤالات مکرر آنان به هیچ عنوان ناراحت و خسته نمی‌شد، در خانه هم توصیه می‌کرد مبادا در مقابل کودکان عکس‌العمل بدی نشان دهید و به آنان چیزی بگویید، بچه باید آزاد باشد، در عین حال به ادب و تربیت نوباوگان توجه داشت و رفتار پدر و مادر را در تربیت آنان مؤثر می‌دانست و عقیده داشت که حرف پدر و مادر نباید در مورد بچه یا در هر موردی که بچه‌ها شاهدند دوگانه باشد و می‌گفت این حالت دوگانگی شخصیت بچه‌ها را ناجور بار می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۲).

آیت الله امینی در راستای تربیت و جایگاه آن در دوره کودکی اشاره دارد که، احترام به کودک، صداقت، وفای به عهد، و نحوه تنبیه کودک، از دیگر مسائلی است که باید والدین با دقت و ظرافت آنها را مرعات نمایند. همچنین به ارائه راه‌حل‌هایی در برابر ناهنجاریهای کودکان از جمله بدزبانی، پرخاش، بی‌ادبی و ناسازگاری پرداخته و نحوه آموزش‌های دینی و سیاسی و مسائل جنسی را به آنان یادآور شده است. ایشان آشنایی مربی با ویژگیها و آفرینش جسمانی و نفسانی فرد تربیت‌شونده، هدف‌دار بودن تربیت و برنامه را برای تربیت اموری لازم و ضروری برشمرده؛ و در نوشتار خود به مباحثی چون: مسئولیت پدر و مادر، پرهیز از اختلافات خانوادگی، نوزاد و تربیت دینی، بازی، خودنمایی، تقلید اعتماد به نفس، لجبازی، راستگویی، وفای به عهد،

مالکیت، انسان دوستی، احترام به فرزندان، آشناسازی کودک با اقتصاد خانواده، خشم، ناسازگاری، آموزش عقاید و تکالیف دینی، مسائل جنسی، تنبیهات بدنی و غیربدنی، نکاتی درباره کودکان ناقص، و تشویق و جایزه اشاره کرده است (امینی، ۱۳۷۵).

نکته دیگری که در مسئله ی تربیت کودکان از دیدگاه اندیشمندان اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است امکان تحقق مراتبی از شناخت انتخاب و عمل در تربیت کودک و پیش از دوران بلوغ می باشد، در رویکرد اسلامی عمل، امکان تربیت کودکان به بلوغ شرعی موکول و با استناد به آیات و روایات و تعریف ویژه از تربیت اسلامی دوره طفولیت بیرون از متن اصلی تربیت و به منزله دوره تمهید برای ورود به تربیت معرفی شده است (باقری، ۱۳۹۰) و این طور استدلال شده که شناخت، انتخاب و عمل که از اجزای اصلی جریان تربیت و ربوبی شدن و ربوبی ساختن است در کودک پیش از بلوغ پدید نمی آید (همان، ص ۲۴۶). در این تعریف، تربیت یک مفهوم کلی مشکک است تا یک مفهوم متواطی؛ از سویی این تعریف معطوف به تربیت دینی یا اسلامی است که خود دارای سه بخش اعتقادات عبادات و اخلاقیات است و از آنجا که بنابر نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، قرآن تربیت اخلاقی را بر تربیت عبادی و تربیت اعتقادی مقدم داشته است (سلحشوری، ۱۳۹۰؛ فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۴۸-۴۲) که در نتیجه آن انسان به تدریج با رشد استعدادها بالقوه اش و فعلیت یافتن آنها توانایی این را پیدا می کند که اقدام به ربوبی شدن خود نماید و با توجه به اختلاف نظرها در مورد سن بلوغ شرعی (رجبیان، ۱۳۸۷)، این طور برداشت می شود که تربیت اسلامی مراتبی دارد که می توان ابتدا از طریق تحقق عادات پسندیده و ایجاد فضای تربیتی سالم اخلاقیات را درونی کرد و در کنار این عادات اخلاقی و عبادات تمرینی با رشد عقلانی کودک در حد فهم و درک او، باورها و اعتقادات مرتبط را به او آموزش داد تا به تدریج با رشد عقلانی خود براساس تأمل و تفکر عقلانی به تکلیف عمل کند. ایشان که معتقد به تمهید اخلاقی برای دوره کودکی هستند برای دوره تمهید روشهای تربیتی مانند روش تلقین به نفس (قولی و فعلی) بر مبنای تأثیر ظاهر بر باطن و اصل تغییر ظاهر، روشهای زمینه سازی اسوه سازی و تغییر موقعیت بر مبنای تأثیر شرایط بر انسان و اصل اصلاح شرایط، روش آراستن ظاهر و تزئین کلام بر مبنای جذبه حسن و احسان و اصل آراستگی، روش موعظه حسنه (یادآوری نعمتها و قصه گویی) بر مبنای آشنایی و بیگانگی با خدا و اصل تذکر و روش بیان مهر و قهر بر مبنای دل بستگی و آزمندی و شتاب و اصل ابراز یا منع محبت را مطرح نموده اند (باقری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۶-۲۵۶).

در توضیحات ذیل این، مبنای اصول و روشها مطالبی آمده است که می تواند نشان دهنده امکان تربیت کودکان تا هفت سالگی هم باشد؛ برای نمونه ذیل روش تلقین به نفس بیان شده است:

مراد از تلقین قولی آن است که به کودک بیاموزیم سخنانی را بر زبان جاری کند و از این طریق در معرض حالات مطلوب درونی قرار گیرد. مشاهده می شود پس از چند بار گفتن این جملات کودک خود عیناً همان جمله را درباره خودش به کار می برد و کم و بیش آن را در عمل آشکار می کند (همان، ص ۲۵۰).

همچنین ذیل اصل اصلاح شرایط آمده است:

باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد. کودک به رنگ پیرامون خویش می گراید و با دست کاری پیرامون وی خود او نیز دگرگون می شود. بدون گسیختن کودک از محیط، مطلوب ترین وضع ممکن را برای او فراهم آوریم (همان، ص ۲۵۱).

در جایی دیگر ذیل روش اسوه سازی میگوید: «اسوه های مطلوب را باید در معرض دید کودک قرار داد و اسوه های نامطلوب را اگر نتوان حذف کرد مورد توضیح و تبیین قرار داد و جهت نامطلوب شمردن آنها را برای کودک بازگفت» (همان، ص ۲۵۲)

ذیل روش های تزیین کلام و موعظه حسنه آمده است محتوای مطلوب را باید در قالبی جذاب مانند سرود، شعر و قصه به کودک عرضه کرد» (همان، ص ۲۵۳-۲۵۵).

باتوجه به منابع بررسی شده اراده کودک تا هفت سالگی هر چند در تبعیت از خرد عقلانی ضعیف است، ولی قدرت خویش را از خرد شهودی به دست می آورد که از طریق محیط سالم و مطلوب با مشاهده و ارتباط با الگوهای شایسته تحقق می یابد؛ بنابراین امکان تحقق مراتبی از شناخت انتخاب و عمل در کودکی وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

تمام روش های تربیتی در اسلام در حقیقت حاکی از پیوند انسان و رب است و همه فرع و شعبه های تربیت از این پیوند و کیفیت آن منشاء می گیرد. دین به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می دهد و فرهنگ دینی حاکم بر انسان در همه شئون زندگی او ریشه می دواند. تربیت دینی نشان دهنده راه و روشی است که در انتها به هدف زندگی منجر می شود. تعلیم و تربیت از دیرباز و طی قرون و اعصار همواره مورد توجه عالمان، اندیشمندان و فیلسوفان بوده و بدین سان توانسته است افکار و اندیشه های بزرگ را به سوی خویش فراخواند. تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه ای که هر گونه، انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود. توانایی های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می کند و انسانیت انسان تحقق می یابد. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین گردیده است. بدیهی است یک مکتب که دارای هدف های مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد. فلسفه خلقت بشر را نیز در همین نکته می توان یافت که خداوند انسان را برای این آفرید که او به وسیله تربیت صحیح، کمال یابد و به سر منزل مقصود برسد. با علم به این هدف غایی، تربیت اسلامی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می کند. تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می شود که زمینه را برای بروز و ظهور استعداد های فطری آدمی فراهم می کند و او را بالنده تر و کمال یافته تر می سازد. هر زمان فرصت و امکان برای فعلیت یافتن استعدادها فراهم می شود، آن زمان قداست و ارزش پیدا می کند. از منظر شهید مطهری فطرت الهی انسان در تربیت اسلامی ارزشمندترین چیزی در عالم هستی است به گونه ای که نباید چیزی را بر آن ترجیح داد، اگر گفتار یا کرداری خلاف قوانین فطرت باشد، باید صریحاً نسبت به اصلاح آن اقدام شود. زمانی که فطرت دست نخورده و الهی است یعنی دوران کودکی باید نسبت به تربیت و شکل دهی آن، اقدام و زمینه را برای مراحل بعدی رشد فراهم کرد. به نظر فارابی سعادت، آخرین هدفی است که آدمی برای رسیدن به آن می کوشد. سعادت جز با تمرین کارهای نیک از روی میل، به دست نمی آید. آدمی در اعمال نیک خود، آزاد است، زیرا انسان، بالقوه دارای ویژگی هایی است که او را در انجام این اعمال یاری دهد. فارابی تأکید می کند که اخلاق پسندیده و اخلاق ناپسند در اثر ممارست کسب می شوند. اگر کسی دارای اخلاق پسندیده نباشد می تواند در اثر عادت، آن را تحصیل کند و از منظر فارابی همه موارد ذکر شده با تربیت حاصل می شود و تربیت کودک دارای جایگاه والا و از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. همچنین ابن سینا روش های تربیتی را از آغاز تولد کودک تا وقتی که او مرد عمل شود به طور گسترده بیان می کند. او معتقد است که: پدر و مادر باید برای فرزندان خود نام نیکو انتخاب کنند و آن گاه که کودک برای هر گونه تربیتی آمادگی و قابلیت داشت به تربیت او بپردازند و سختی و نرمی و تشویق و ترسانیدن را به هم بیامیزند. برای طفل، معلمی را در نظر بگیرند که دین دار، خردمند و دارای اخلاق پسندیده باشد. پس از سوادآموزی باید به فرزندان حرفه و پیشه یاد داد و این حرفه باید بر وفق میل و

استعداد طبیعی آنان باشد. ابن سینا اشاره دارد که، بر والدین واجب است که به تربیت و اخلاق متعادل و طبیعی کودکان، توجهات خاصی داشته باشند. آنان باید دقت کنند که خشم و یا ترس بسیار و یا نگرانی‌های زیان‌آور و یا بی‌خوابی و... عارض طفل نشود. والدین باید بدانند کودک به خوش‌اخلاقی عادت می‌کند و خوب بودن اخلاق، عادت و ملکه او می‌شود و نیز از لحاظ بدنی و جسمانی سالم می‌ماند.

اخلاق بد سرچشمه اقسام ناراحتی‌های بدنی و مزاجی است. لذا هر عادت بدی در طفل پیدا شود علتش بدی مزاج یکی از اعضاست. مثلاً خشم، موجب تب و گرمی جدی و اندوه، سبب خشکی حتمی است. برای حفظ تعادل و بسط اخلاقیات خوب در اطفال باید به سلامتی جسم و جانیشان با هم و یک‌جا رسیدگی کرد. و همین که طفل به شش سالگی رسید باید او را به تدریج برای درس خواندن و آموزگار دیدن آماده کنند.

تربیت از نظر غزالی برای این است که کودک:

الف) سعادت دین و دنیا را حاصل کند

ب) خشنودی خداوند را به دست آورد

ج) نفس اماره را مطیع و اخلاق خود را مهذب نماید.

همان‌گونه که بدن انسان با غذا رشد و کمال می‌یابد نفس انسان نیز در انسان ناقص و پذیرای کمال است. کمال نفس، به تربیت و تهذیب اخلاق وابسته است و تغذیه نفس به علم وابسته است. غزالی کودک را امانتی نزد پدر و مادر می‌داند: قلب کودک پاک و عاری از هر نقش و صورتی است. اگر او را به اعمال خیر عادت دهند به آن خصلت رشد می‌یابد و اگر به کارهای زشت او را عادت دهند به هلاکت و بدبختی می‌افتد. به سرپرست و ولی کودک واجب است که از وی مواظبت کند و در تهذیب اخلاق او بکوشد و از هم‌نشینیان بد دور بدارد. خواجه نصیرالدین طوسی به تربیت اخلاقی بسیار اهمیت می‌داد و آن را اساس پرورش می‌دانست. به نظر وی: منظور از تربیت، درک سعادت است. برای رسیدن به این منظور، باید کودک را چنان تربیت کرد که فضائل را دوست بدارد و از رذائل دوری جوید و در برابر شهوات خویشتن‌داری کند. سازمانی را که وی برای تربیت پیش‌بینی می‌کرد نخست، خانه و سپس مکتب بود. به نظر خواجه، معلم باید عاقل، دین‌دار، خوش‌بین و واقف به تربیت اطفال و با وقار و مروت باشد و از محاوره با طبقات مردم دون‌پایه و بی‌ادب دوری جوید. بطور کلی تربیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی دارای جایگاه ویژه و با ارزشی بوده است و از همه جوانب به آن توجه شده است و کلیه ی اندیشمندان اسلامی بر این عقیده هستند که، زیر بنای هر کاری را می‌توان در تربیت جویا شد و اشاره می‌کنند که تربیت باید از دوران کودکی حاصل شود و در کودک نهادینه شود لذا اکثر اندیشمندان به علت جایگاه قابل اهمیت آن به این امر توجه فراوانی داشته اند.

منابع

۱. امینی، ابراهیم (۱۳۷۵) آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی.
۲. اعرافی علیرضا، محمد فتحعلی خانی، علیرضا فصیحی زاده، علی نقی فقیهی (۱۳۹۱)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، انتشارات سمت.
۳. ابن مسکویه (۱۳۷۱)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ج ۵، قم: بیدار.
۴. اعرافی، علیرضا و سیدنقی موسوی (۱۳۹۱)، فقه تربیتی؛ مبانی و پیش فرض ها، ج ۲، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی، ج ۲، ج ۱، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. باقری، خسرو (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲۶، ج ۱، تهران: مدرسه.
۷. برنا، میشل (۱۳۹۰)، کلیدهای پرورش هوش اخلاقی در کودکان و نوجوانان، ترجمه فرناز فرود، تهران صابرین
۸. بناری، علی همت (۱۳۷۹) الف)، «تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت، اسلامی، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۹۲.
۹. بناری، علی همت (۱۳۸۵)، «در تکاپوی مفهومی نو از تربیت اسلامی: آیات و روایات»، تربیت اسلامی س ۲، ص ۳-۷-۴۰.
۱۰. بسارده، رضا و لطفی، فاطمه، ۱۴۰۰، اهمیت و جایگاه تربیت از نظر دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی، نخستین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر،
۱۱. بهشتی، محمد؛ مهدی ابوجعفری و علی نقی فقیهی (۱۳۸۸)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۴، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۱۲. بهشتی، محمد (۱۳۹۳) فلسفه تعلیم و تربیت اشراق، ج ۱، تهران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. بهشتی، محمد (۱۳۹۴)، فلسفه تعلیم و تربیت، اشراق ج ۲ تهران پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری علی محمد کاردان و دیگران (۱۳۷۴)، درآمدی به تعلیم و تربیت، اسلامی فلسفه تعلیم و تربیت ج ۲، ج ۱، تهران سمت.
۱۵. خیری، یوسف؛ نعمتی، جواد (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه های اسلامی، مطالعات علوم اسلامی انسانی بهار ۱۳۹۹ - شماره ۲۱ (۱۲ صفحه - از ۱۹ تا ۳۰)
۱۶. خاتون غفاری، نرجس (۱۴۰۲)، بررسی تربیت کودک و دوران کودکی، مطالعات علوم اجتماعی بهار ۱۴۰۲، دوره نهم - شماره ۱ (۸ صفحه - از ۹۹ تا ۱۰۶)

۱۷. داودی، محمد (۱۳۸۹) سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت تربیت، اخلاقی زیر نظر علیرضا اعرافی قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۸. داودی، محمد (۱۳۹۴)، فلسفه تعلیم و تربیت مشاء، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. دهقانی، محسن (۱۳۸۸)، فروغ، حکمت، ترجمه و شرح نهاییه الحکمه علامه سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
۲۰. رفیعی، بهروز (۱۳۹۲) مریدان بزرگ مسلمان قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۲۱. رهنما، اکبر (۱۳۸۵)، «مقایسه دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه تربیت اخلاقی»، تربیت اسلامی، دوره ۱، ش ۲، ص ۲۱-۳۳.
۲۲. رفعت نژاد، محمد تقی؛ احمدیان قنات النوجی، اشرف (۱۴۰۱) تاثیر آشنایی مادران با مفاهیم قرآن و حدیث در تربیت فرزندان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران) « بهار ۱۴۰۱، دوره هشتم - شماره ۱ (۳۱ صفحه - از ۶۵۱ تا ۶۸۱)
۲۳. سعید اسماعیل، علی و رضا محمد جواد (۱۳۹۰) مکتب ها و گرایش های تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی، تهران: سمت.
۲۴. سلحشوری، احمد، (۱۳۹۰)، حدود و ثغور تربیت، اخلاقی تربیت معنوی و تربیت دینی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت دوره ۲، ش ۲، ص ۴۱-۵۶.
۲۵. شاملی عباسعلی (۱۳۸۶) مجموعه مقالات تربیت اخلاقی (پیش فرض ها و چالشها)، قم: نشر معارف.
۲۶. شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۷۷)، «درآمدی بر مراحل تربیت در قرآن کریم»، مطالعات اسلامی، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۷۹-۱۰۴.
۲۷. شعبانی، زهرا (۱۳۹۱)، «فرا تحلیل تحول اخلاقی در تحقیقات انجام شده طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۶۵»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی دوره، ۱۶، ش ۲۷، ص ۴۲-۸۱.
۲۸. شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت و مراحل، چ ۲۲، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
۲۹. شیخ صدوق [ابن بابویه، محمد بن علی] (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. شمشیری، بابک (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران: طهوری. ملاصدرا (۱۳۶۳)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۳، ۲۰ ج، بیروت: دار احیاء التراث.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ۲۰ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۳۲. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: سهامی عام.
۳۳. عطاران، محمد (۱۳۶۵)، «نظریات علمای بزرگ مسلمان در باب تربیت کودک»، تربیت، س ۲، ش ۱، ص ۲۰-۲۳.
۳۴. غزالی، محمد (۱۳۵۲)، احیاء علوم الدین ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۴، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۵. فروغی، محمدعلی (۱۳۷۹)، سیر حکمت در اروپا تهران البرز.

۳۶. فاضلی زاده، مریم (۱۳۹۳)، اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، نشریه رسانه های نوین و آموزش «آبان و آذر ۱۳۹۳ شماره ۳»
۳۷. فقیهی، سیداحمد (۱۳۹۳)، روش های تربیت اخلاقی در المیزان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۸. قائمی، علی (بی تا)، مجموعه بحث ها در زمینه خانواده و تربیت، کودک، تهران: دارالتبلیغ اسلامی. کانت، امانوئل (۱۳۶۳) تعلیم و تربیت ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
۳۹. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۰)، مراحل شکل گیری اخلاق در کودک (با تأکید بر رویکردهای تحولی)، چ ۳، تهران: عابد.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۱. گلستانی، سیدهاشم (۱۳۸۰)، «نقد و تحلیل تربیت اخلاقی از نظر بعضی از متفکران اسلامی»، علوم تربیتی و روانشناسی، ش ۷، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۴۲. مرعشی، سیدمنصور؛ مسعود صفایی مقدم و پروین خزامی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز مجله تفکر و کودک، ش ۱، ص ۸۳-۱۰۲».
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: حسن اسکندری، چ ۱، قم: مؤسسه امام خمینی
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، فلسفه اخلاق، قم: صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۴۶. موسوی، سیدحامد و کوخاه زاده، سمیه، (۱۳۹۸) اثرات محبت بر تربیت اسلامی کودکان از منظر روایات و آراء دانشمندان اسلامی، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی.
۴۷. مقربی، نواب (۱۳۹۴)، «فلسفه کودکی از دیدگاه صدرالمتألهین»، مجله فلسفه و کودک بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ش ۹، ص ۲۹-۴۸. م
۴۸. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱-۹، بیروت: دار احیاء التراث.
۴۹. طاهری زاده، مریم، ۱۳۹۹، بررسی تطبیقی مراحل تربیت دینی فرزندان از منظر اندیشمندان اسلامی و غربی، هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.

50. Judith G. Smetana, (1999), "Role of Parents in Moral Development: A Social Domain Analysis, The Journal of Moral Education, vol. 28, N. 3, P. 311. Lickona, T., (1999), "Character Education", In: Reigeluth, C.M. (Ed) (1999), Instructional Design Theories and Models, Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Association Publishers. P: 590-612.

51. Narvaez, D., Rest. J., (1995), "The Four Components of Acting Morally", In Moral Behavior and Moral Development: An Introduction, ed.W. Kurtines and J. Gewirtz, 385-400. New York: McGraw-Hill.

52. Narvaez, D., (2006), "Integrative Ethical Education", In M. Killen & J. Smetana (Eds), Handbook of Moral development (pp. 703-733).

53. Mahwah, NJ: Erlbaum. Narvaez, D., (2008), "Human Flourishing and moral Development: Gognitive and Neurobiological off Virtue Development", In: 1.p.
54. Nucci & D. Narvaez (Eds), Hand book of Moral and Character Education (pp310-327), New York: Rutledge.
55. Narvaez, D., (2008b),"Triune Ethics: The Neurobiological Roots of Our Multiple Moralities", New ideas In Psychology, 26, 95-119.
56. Narvaez, D., & Lapsley, D., (2005), "The Psychological Foundations of Everyday Morality and Moral Expertise", In: D. Lapsley & Power, C. (Eds), Character Psychology and Character Education, (pp. 140-165) Notre Dame: IN: University of Notre Dame Press.

Abstract

The purpose of the current research is to examine the position of children's education from the perspective of Islamic thinkers, education means to grow, show and increase and from the word "rabwa" which means to rise, rise, add and grow. Some people have said that education is to remove excesses and bring them to moderation. But education in the term is an effort to create a desirable transformation in a person and gradually and continuously bring him to perfection. In other words, education is the actualization of talents, the perfection of a person who is prone to perfection, and also taking care of him in the path of his growth and progress towards perfection. In terms of purpose, the current research is of applied type, qualitative research approach and of synthesis research type. Synthesis research, which in some cases is equivalent to qualitative meta-analysis, includes the combination of specific features and factors of research literature. Center Research tries to analyze the research it covers and solve the conflicts in its literature and identify the main topics for future research. Now, by checking the databases, 250 researches have been identified, of which 170 articles and books are for the same reason. were excluded from the synthesis process, 80 sources were included in the title and abstract review stage. In the review of the title and abstract, 45 articles were excluded from the synthesis process due to the mismatch between the target population, the type of work, the irrelevance of the abstract, or the lack of providing sufficient information, and 35 articles were entered into the full text screening stage. At this stage, 12 works were excluded due to the lack of access to the full text of non-research articles and insufficient information, and 23 articles entered the research stage. If he is left alone and is not trained, he will grow up to his natural state as a child, he will turn to what is more compatible with his nature than anger, pleasure, lust and other inappropriate moods, therefore, the education of children has a special place from the point of view of Islamic thinkers. It has

Key words: education, children, Islamic thinkers
